



ترامپ قرار گرفت و او با استناد به آن، بار دیگر فضای جدیدی را علیه توافق هسته‌ای گشود. این نمونه ونیز سابقه شعاردرمانی در سیاست خارجی در سال‌های گذشته، نشان می‌دهد که اگر امروز در مقابل ترامپ، ایران رئیس جمهـ.و ری متفاوت از روحانی می‌داشت، امروز چه فضای پرتلاطم سیاسی و رسانه‌ای می‌توانست پیش روی ملت ایران باشد. اینـ در حالی است که برخی معتقدند روحانی تغییر کرده است و او کمتر مانند گذشته اصلاح طلبانه سخن می‌گوید. اما نکته اینجاست که روحانی همچنان «یک حقوقدان» است. اینـ حقوقدان و دولت او، بسته به تغییرات غرب وتفاوت‌های سیاست‌های اروپا و امریکا، لحن و کلام خود را تغییر می‌دهند، اما در همه این موارد این هوشیاری سیاسی را دارند که خود، بهانه‌تازه‌ای به دست دشمنان ومخالفان کشور ندهند. هشدار شنبه پیش روحانی، تنها تهدید او برای غرب وامریکا نبود. در ماه‌های پس از خروج امریکا از برجام، او با لحنی متفاوت نسبت به دولت نخست خود با این سردمداران این کشور سخن می‌گوید. اما این سخن گفتن، برخلاف سال‌های گذشته، به گونه‌ای است که اجازه رسانه‌ای تازه‌ای علیه ایران باز شود. همه اینها، تنها یک دلیل دارد و این دلیل همان است که روحانی در سال ۹۲ گفت: «من یک حقوقدان هستم».



من حقوقدان هستم

بیان این سخنان، حتی تندروترین رسانه‌ها و سیاستمداران، منطقه‌ای، اسرائیلی یا امریکایی هم نتوانستند از این سخنان گزک بسازند و بر سر ایران و کشورهای طرفدارش بکوبند، چه بسا حتی کارشناسان و ناظران مخالف ایران هم وقتی به این سخنان رسیدند، اذعان کردند که ایران واقع سدی بزرگ برای ورود تروریسم ۶ کشور، غرب را به آوار شدن مواد مخدرو تروریست‌ها بر سرش تهدید کرد. هشدار روحانی از این قرار بود: «به تحریم‌کنندگان ماه‌های اخیر بویژه اعتراض‌های دی ماه سال گذشته بیه صورت جدی از سوی اصلاح طلبان مطرح شد تا این حرف را به جامعه منتقل کند که اصلاح طلبان امروز نه مترادف و نه متضاد براندازی بلکه نقیض آن و ترور‌ها به سلامت خارج شوید.» پس از

خره بین مرتضی کل پور خبرنگار

شنبه پیش روحانی به غرب هشدار داد: اما کشور یا سیاستمدار غربی نتوانست از آن ابزاری حذف شوند، این است که معتقدند تا اصلاحات در جامعه زنده است و تا حرف خاتمی در افکار عمومی پذیرش هم‌نوابی و همراهی با ساختار شکنان دارد، نه انقلاب در ایران شکل می‌گیرد و نه کشورهای خارجی می‌توانند در آن دخالت کنند. «سخنانی که در ماه‌های اخیر بویژه اعتراض‌های دی ماه سال گذشته بیه صورت جدی از سوی اصلاح طلبان مطرح شد تا این حرف را به جامعه منتقل کند که اصلاح طلبان امروز نه مترادف و نه متضاد براندازی بلکه نقیض آن هستند.



شماری از اصولگرایان از سر دلسوزی و شماری از سر مچ‌گیری و فضا سازی از اصلاح طلبان می‌خواستند نسبت خود را با براندازان روشن کنند. در این میان استدلال اصلاح طلبان که «هر معترضی، برانداز نیست»، به محتوای شماری از اظهارات چهره‌های ارشد اصلاح طلب حکایت از آن دارد سخنان کریمی قدوسی اگرنگو پیسم بخشی از پازل رسانه‌ای-تبلیغاتی علیه اصلاح طلبان است، حداقل منافع کسانی که چنین مطلوبی دارند را خواسته یا ناخواسته تأمین می‌کند. تهمت نخ نما شده «براندازی» به اصلاح طلبان که از مجلس ششم به بعد هر روز در شکل و شمایل رخ می‌نمود در ماه‌های بعد از انتخابات سال ۸۸ بازداشت شد و ۷ سال بعدی را در حبس گذراند،

انگِ پر رنگ

نعل وارونه

بسیاری عداوت کرده اندحرف‌های محمد جـ.و ادکریم سی قدوسی نماینده مشهد را طنز یا تهازل العارف تلقی کنند؛ او که لقب «مرد ادعاهای تکذیب شده» را به دوش می‌کشد، هر از گاهی حرف‌های نه چندان راست و درستی را مطرح می‌کند که از فرط بزرگی خنده‌دار به نظر می‌آید. او که در ماه‌های اخیر ادعای تکذیب شده‌ای چون دوتابعیتی بودن برخی مقامات، دوتابعیتی بودن سفیر جدید ایران در فنلاند، درخواست مقامات دولتی از مراجع تقلید برای راضی کردن رهبری برای مذاکره با امریکا، مذاکره ایران وامریکا در سطح کارشناسان وزارت خارجه در عمان و تهدید رئیس جمهوری به عدم برگزاری انتخابات سال ۹۶ را مطرح کرده بود، اخیراً کسانیکه مدعی شد: «۵۰ درصد این مجلس به دنبال فروپاشی نظام جمهـ.و ری اسلامی است، اگریم سی قدوسی در ادامه نوشته خود برای شاهد این ادعا آورده است: «سران فتنه ۸۸ به دنبال سقوط نظام جمهوری اسلامی بودند و حالا امروز ۵۰ درصد نمایندگان

داغی که تازه شد

دیدگاه

علی رضایی خبرنگار

«روز دانشجو» که ۱۰ روز گذشته فضای دانشگاه‌های سراسر کشور را تحت‌الشعاع قرار داده بود، سیری شد. نکته قابل تأمل برای محافل سیاسی و رسانه‌ای این بود که اگر چه سخنرانی مسعود پزشکیان نایب رئیس مجلس در تبریز تا تمام ماند یا برخی میهمانان همانند حسام‌الدین آشنا به دشواری سخنرانی خود را به پایان بردند، سه نامزد رقیب و البته ناکام حسن روحانی، در دانشگاه‌های بزرگ تهران میدان داری کردند. روز یکشنبه ۱۷ آذر دانشگاه شهید بهشتی میزبان سید ابراهیم رئیسی تولیت آستان قدس رضوی بود و سعید جلیلی و محمدباقر قالیباف میهمان دانشگاه تهران. اگر چه از رقیب انتظاری نبود جز اینکه بگوید اگر او رئیس جمهوری می‌شد، دلار به ۵ هزار تومان می‌رسید، اما شاید فضای بعد از انتخابات ایجاب می‌کرد با نگاهی مهربان‌تر به نامزدی که به نفع نامزد دیگر کنار رفته است، نگرسته شود. اما سید ابراهیم رئیسی مشغوف از تشویق حضار و فضای امنی که بر سخنرانی‌اش حاکم بود، در پاسخ به سوآلی درباره انصراف محمدباقر قالیباف به سود او گفت که «ایشان (قالیباف) ابتدا قصد حضور در انتخابات را نداشت؛ اما چون سابقه حضور در انتخابات را داشت، ما گفتیم که از حضور هیچ کس جلوگیری نمی‌کنیم.» رئیسی سپس به گفت‌وگوی سعید جلیلی با خود پرداخت و گفت: «جلسه‌ای با آقای جلیلی داشتیم که گفت اگر شما بیایید، من نمی‌آیم. آقای قالیباف هم گفت من به انتخابات می‌آیم و تا آخرین منظره حضور خواهم داشت. بعد به نظرسنجی‌ها نگاه می‌کنیم. اگر رای من پایین‌تر بود، کنار می‌روم.» تولیت آستان قدس رضوی با تأکید بر اینکه «من به هیچ کدام از کاندیداها نگفتم شما نباید تا من بیایم» ادامه داد: «آقای قالیباف بعد از مناظره سوم کنار رفت. البته دوستان ستاد درباره کنار رفتن ایشان حرف داشتند و می‌گفتند، نگذارید ایشان کنار برود، حتی آقای میرسلیم هم قبل از انتخابات تماس گرفت و گفت، برخی می‌گویند به نفع شما کنار بروم که من گفتم آنچه صلاح می‌دانید، عمل کنید و ایشان هم کنار نرفت.»

اولین توضیح سید ابراهیم رئیسی درباره انصراف قالیباف، با واکنش‌هایی هم همراه شد. اگر چه شماری طعنه او به کاهش قیمت دلار را دستمایه کردند از جمله غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی که گفت: «آقای رئیسی فرو مودخدا رحیم‌کبر دکبر رئیس جمهوری نشد! من هم می‌گویم واقعاً خدا رحم کرد که رئیس جمهوری نشد! چون اگر می‌شد، معلوم نبود با چند من عسل تتلو را به عنوان وزیر فرهنگ وارشا می‌بایست هضم و تحمل می‌کردیم!» اما تندترین واکنش ساعتی بعد از انتشار اظهارات رئیسی از سوی حسین قربانزاده، مشاور محمدباقر قالیباف مطرح شد. او در گفت‌وگوی، با بیان اینکه «ما هم تأیید می‌کنیم که آقای قالیباف شخصاً نمی‌خواست در انتخابات حضور پیدا کند و در واقع اتفاقاتی افتاد» گفت: «درباره آقای قالیباف دو نکته وجود دارد: یکی ورود به انتخابات و دیگری انصراف. ورود به انتخابات همان جعبه سیاهی است که می‌گوییم چرا اصلاً آقای قالیباف در انتخابات حضور پیدا کرد؟» او خواهد بازگشایی این «جعبه سیاه» شد و سپس نتیجه نظرسنجی‌ها که از سوی رئیسی مورد اشاره قرار گرفته بود را به چالش کشید و گفت: «در هیچ نظرسنجی معتبری مانند نظرسنجی دانشگاه تهران که حتی دو روز قبل از رای‌گیری، نتیجه انتخابات را با ۷ دهم درصد اختلاف پیش‌بینی کرده بود، و چند نظرسنجی مشابه دیگر، در طول انتخابات هیچ روزی نبود که کسی غیر از آقای قالیباف نزدیک‌ترین کاندیدا به

آقای روحانی باشد.» او از این مقدمه استفاده کرد تا بگوید: «پیش‌بینی این بود که اگر آقای قالیباف می‌ماند، اختلاف آرا کمتر بود و حتی پیش‌بینی می‌شد که به دور دوم برود ولی این اتفاق نیفتاد.» قربانزاده همچنین ادعا کرد بخشی از آرای قالیباف بعد از انصراف به سید حسن روحانی ریخته شد و رئیسی از این آرا بهره‌ای نداشت؛ در حالی که اگر رئیسی کنار می‌رفت، رای او به سید قالیباف ریخته می‌شد. هنوز محمدباقر قالیباف به این سخنان واکنش نشان نداده است؛ اما با مروری بر مواضع او بعد از انتخابات بعید به نظر می‌رسد در این باره واکنش مستقیمی داشته باشد. چه قالیباف در ماه‌های اخیر انتقادات را بیشتر متوجه جریان اصولگرا بویژه لایه سنتی آن دانسته و کمتر وارد مصادیق شده؛ هر چند با نشانی‌هایی که او می‌دهد یافتن مصداق خیلی کار دشواری نیست. به هر روی هر چه هست، زخم انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم برای اصولگرایان ناسورتر از آن است که با «شورای وحدت» و نسخه‌های اتحاد درمان شود.

ماجرای انصراف قالیباف و آن گونه که قربانزاده می‌گوید ثبت نام او، هنوز ناگفته‌های زیادی دارد و با همین اشارات یادآور شایعاتی می‌شود که یک سال ونیم



خوشایند نیست که به آن روزها برگردند. آن هم در شرایطی که محمدباقر قالیباف و حامیان او چیزی برای از دست دادن ندارند.

انتخاباتی به قالیباف داده و وی به گفته محمد مهاجری «انصرافانده» می‌شود. هر چه هست گویا برای سید ابراهیم رئیسی و حامیان فکری و سیاسی او خیلی

پیچیده بود. شایعه نخست درخواست یکی از سرداران نظامی نام آشنا از قالیباف برای کاندیداتوری و شایعه دیگر نامه‌ای که در خلال یک سخنرانی

این استرداد محل یک جنگ حقوقی بزرگ خواهد بود که می‌تواند ابعاد جنگ اقتصادی و سیاسی واشنگتن و پکن را عمیق‌تر کند. این تنها «چین» نیست که با گروگانگیری امریکایی، گردی به خاطرش نشسته است و با وقوع این رویداد، انگیزه‌های خود را برای پاسخ کشیدن از معرکه جنگ تعرفه‌ها با امریکا از دست رفته می‌بیند، چه کشورهای اروپایی هم که در مواجهه با کارشکنی امریکا در مسیر اجرای برجام، شمشیر خود را از رو بسته‌اند، راهکارهای نجات این توافق را در معرض خطر آفرینی ترامپ می‌بینند.

طرح اتحادیه اروپا برای ایجاد سازوکار ویژه خود تحت عنوان «اس پی وی» برای دور زدن تحریم‌های امریکا نیازمند ریسک پذیری حداقل یکی از کشورهای اروپایی است. گرچه واشنگتن عملیات نجات اروپا را «ببر کاغذی» خوانده اما کمتر کسی تردید دارد که عهده‌دار شدن مسئولیت میزبانی کانال یاد شده و ریاست آن منوط به تن دادن کشورها و اعضای اروپایی درگیر این موضوع، به موقعیتی است که امریکا از همین حالا با تهدید به تحریم‌های جدید برای آن خط و نشان کشیده است. با وجود اینها به نظر می‌رسد با قرار گرفتن فرانسه و آلمان که قربانی تاریخی با امریکا دارند، در نقطه عزیمت پیگیری و اجرای طرح مالی حفظ برجام، جدال دیپلماتیک متحندان دو سوی آتلانتیک وارد فاز جدی‌تری شود. جدالی که در آن چین و روسیه هم در کنار اروپا ایستاده‌اند تا ترامپ که این روزها خود را تنها‌تر از همیشه دیگر با بزرگ‌ترین متحدان تجاری خود در جهان را هم به جان خریده است. امریکا



گروگانگیری امریکایی

بازتاب

مریم سالاری خبرنگار

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری امریکا آماده نشان دادن قدرت حداکثری کشورش برای تحت فشار قرار دادن ایران است. نکته اینجاست هنگامی که او برای زور آزمایی قدرتش، مدیر بلندپایه یک شرکت بزرگ چین را آن هم در بحبوحه جنگ تجاری با این رقیب بزرگ اقتصادی به بهانه نقض تحریم‌های ایران دستگیر می‌کند، یعنی ریسک گشودن جبهه یک جنگ دیپلماتیک دیگر با بزرگ‌ترین متحدان تجاری خود در جهان را هم به جان خریده است. امریکا



و روی دیگرش سوء استفاده گروه‌های مافیایی. گروه‌های مافیایی قاچاق انسان که به اسم فراهم آوردن امکان پناهندگی افراد را در مقاصد اولیه حیران می‌کنند با شرکت‌هایی که افراد را با سودای سرمایه‌گذاری، خرید مسکن و گردشگری بدون مدارک قانونی لازم به اهمیت شفافیت اقتصادی و مبارزه با فساد است که در گرجستان برای پایین آوردن ضریب ریسک سرمایه گذاری پیگیری می‌شود. لغو روایت‌ها با گرجستان از بهمن ماه ۹۴ مهیا شد. همچنان که در مورد صربستان کشور اروپایی همسایه با کشورهای حوزه شینگن در شهریور ۹۶ اتفاق افتاد. سکه دو رویه‌ای که یک روی آن افزایش اعتبار گذرنامه‌های ایرانی و سهولت گردشگری برای اتباع ایران بود

ماجرای وزارت امور خارجه ایران اعلام کرده است که سیاستش درباره همه ایرانیان در همه نقاط جهان حمایت از حقوق مسلم آنها در قبال سایر دولت‌هاست. این رویکردی است که تاکنون با احضار سفیر گرجستان و دیگر پیگیری‌های دیپلماتیک انجام شده است. طرف دیگر ماجرا اما دولت گرجستان است که گفته می‌شود تنها در شش ماهه نخست سال ۲۰۱۸ میلادی از محل جذب گردشگران ایرانی به درآمدی ۶۶ میلیون دلاری دست یافته است. درآمدی که صرف‌نظر کردن از آن به انگیزه‌های قوی نیازمند است. به روایت بعضی تأثیر فشارهای امریکا

تفلیس

مقصد زیبایی

که نباید رفت

تفلیس مقصد زیبایی

برای گردشگری است،

دریچه

مسائلی برخلاف این زیبایی سبب شده است تا وزارت امور خارجه از ایرانیان بخواهد تا اطلاع ثانوی از سفر به گرجستان خودداری کنند؛ چشم بر همه جاذبه‌های پایتخت این کشور آسیای میانه فریبند و از گرفتن عکس یادگاری روی پلی صلح تفلیس صرف‌نظر کنند.

همه چیز از بازگرداندن یا به اصطلاح مذهب و تر «دیپورت» بیش از ۲۰۰ گردشگر ایرانی آغاز شده است. گردشگرانی که به روایت برخی منابع آگاه بعضی‌شان بلیت و برنامه‌ای برای بازگشت نداشته‌اند. در این میان انتشار تصاویری از ماجرای یک زن ایرانی که از ترکیه عازم گرجستان بوده و پس از ضرب و شتم و بازداشت به تراکیه بازگردانده شده است بر ابهامات ماجرا افزود. فارغ از دلایل پشت پرده این